



photo: Sherif Sonbol

ابراهیم ابولیش و

چشم اندازی از سلامتی و نشاط در توسعه^۱

نویسنده: یاسمن الرشیدی

مقدمه مترجم

ابراهیم ابولیش از نمونه افرادی است که با ریشه یابی مسایل توسعه در کشور خود به ضرورت توسعه همه جانبه محلی، یعنی توسعه همزمان و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با بهره گیری از فناوری های مناسب، پی برده است. این درک عمیق از مسایل توسعه راه را برای نقش آفرینی بیشتر مردم در دستیابی به خودکفایی و خوداتکایی و نتیجتاً اقتصاد مقاومتی هموار می سازد.

چهره ای که در پس بزرگترین تولیدکننده محصولات غیر شیمیایی در مصر پنهان شده در پی خودنمایی نیست. نزدیک به ۱۵ سال پیش که اولین بسته های هویج و گوجه فرنگی ارگانیک با نشان «محصولات غیر شیمیایی آسیس»^۲ به بازار آمد کسی زیاد متوجه نشد.

www.eabbassi.ir

و چندین سال طول کشید تا این حرکت بزرگ به ثمر نشست و شکوفا شد. در سال های اخیر، دغدغه عمومی در مورد بهداشت و تغذیه سالم و زندگی با کیفیت بالاتر افزایش یافته و تعداد بیشتری از مصرف کنندگان ارزش محصولات غیر شیمیایی را درک کرده اند. لذا به تدریج نام هایی چون «سیکم»^۳ و آسیس و مغازه های موسوم به «بهترین های طبیعت»^۴ که در آنها این محصولات به عموم مردم عرضه می شود به تدریج جای خود را در جامعه مصر باز کرده اند. اما بنیانگذار سیکم و اهداف چندگانه این سازمان بی نظیر کماکان کم شناخته باقی مانده است.

به فاصله دو ساعت از قاهره، در نقطه ای از یک جاده پیچ در پیچ، جایی که شباهت زیادی با بیابان بیکران اطراف آن ندارد، دیواری سفید نشانه ورود به مزرعه بزرگ جامعه سیکم است. در

^۱ این نوشته ترجمه مقاله زیر است:

Yasmine El-Rashidi. 2004. Ibrahim Abouleish: Vision of Vitality, Engineering a Social Renaissance. *Al-Ahram Weekly Online*, no. 681, 11-17 March. (accessed 11 January 2015)
<http://weekly.ahram.org.eg/2004/681/profile.htm>

^۲ Isis organic foods

^۳ SEKEM

^۴ Nature's Best

اینجاست که در نقطه ای پوشیده از درختان مرکبات و بوته های یاسمن، می توان سراغ ابراهیم ابولیش را گرفت. ابولیش، برنده جایزه «معاش درست»^۵ در سال ۲۰۰۳، بنیانگذار سیکم است که نام آن از نوشته های هیروگلیف مصر باستان گرفته شده است. سیکم در لغت یعنی «نور سلامتی و نشاط از خورشید»^۶.

ما حوالی ساعت ۹ بامداد در کنار چند ساختمان سفید رنگ با پنجره های بزرگ از ماشین پیاده می شویم. «وداد»، مردی چابک و سرحال با پوستی آفتابسوخته که حاکی از کار مداوم در مزارع است به ما اطلاع می دهد که ابتدا توری از تاسیسات و مزارع خواهیم داشت و سپس با دکتر ابولیش دیدار خواهیم کرد. او ما را به مرد دیگری به نام اشرف، که قرار است راهنمای تور ما باشد، معرفی می کند و پس از خداحافظی با عجله ما را ترک می کند.

تور سیکم طولانی است و هوا خشک. آفتاب صبح گرم است و بازتاب آن از زمین داغ.

پشت سازه های سفید، اراضی تراسبندی شده ما را به فرورفتگی هایی از شن بیابان هدایت می کند که با کاشت درختان میوه و دیگر گیاهان به جنگلی سرسبز بدل شده است. در این فضاهای خنک تر و با طراوت، بچه های کودکانی، با صورت های بشاش و شاداب دور ما حلقه می زنند و از دیدن دوربین ما آشکارا به وجد آمده اند. در نزدیکی همین محل، بچه های کمی بزرگتر زنگ تفریح خود را می گذرانند. قدری دورتر، چند کودک دیگر دیده می شوند که در محوطه ای مشغول به کار با گل کوزه گری اند و گروهی دیگر روی چوب کنده کاری می کنند.

در بخش دیگری از مزرعه بزرگ سیکم، مزارع سبزیجات و صیفی جات دیده می شود و با کمی فاصله از این قسمت، ساختمان های کم ارتفاع «آتوس»^۷ دیده می شود. در این مکان علاوه بر صنایع غذایی، عصاره گیاهان دارویی سیکم استخراج می شود. از جمله محصولات این واحد نوعی داروی ضد افسردگی با نام تجاری «صفامود»^۸ است که از گیاه «سنت جان وورت»^۹ گرفته می شود. صنایع غذایی آتوس شامل انواع غله، میوه تازه و خشک شده، انواع سبزیجات و صیفی جات، رشته، عسل، انواع مربا، ادویه، روغن و چای است. مواد اولیه این محصولات همگی از

^۵ Right Livelihood Award

^۶ Vitality from the sun

^۷ ATOS

^۸ Safamood

^۹ در ایران موسوم به گل هزار چشم، گل راعی و گل چایی.

مزارع ارگانیک مرتبط با شبکه زراعی سیکم که همگی از روش کشاورزی غیر شیمیایی بیو دینامیک¹⁰ پیروی می کنند تهیه می شود.

از این مکان که می گذریم به مرکز فنی حرفه ای می رسیم. در اینجا اشرف توضیح می دهد که دوره آموزشی این مرکز سه سال طول می کشد. آموزش های این مرکز که مورد تایید وزارت آموزش و پرورش است شامل کشاورزی بیودینامیک، فلزکاری، برق کشی و مدیریت دفاتر است. اشرف با افتخار به آثار هنری به جای مانده از یکی از هنرجویان پیشین این مرکز اشاره می کند. مجموعه ای از مجسمه های گلی است که در یک محفظه شیشه ای از آنها محافظت می شود. ظاهراً آفریننده این آثار زیبا هنرجویی با معلولیت ذهنی بوده است که قبل از در گذشتش، در دوره ویژه هنرجویان استثنایی مرکز به تحصیل اشتغال داشته است.

از کنار محفظه شیشه ای می گذریم و عکس خنده روی مجسمه ساز که با سلیقه قاب شده را می بینیم و سپس به فضای پشتی ساختمان مرکز وارد می شویم. در اینجا از پله های تند و طولانی پشت ساختمان بالا می رویم. بعد از ورود مجدد به فضای داخلی، اشرف توضیح می دهد: «حتما تا حالا متوجه خنکی فضاهای درونی این سازه ها شده اید. این سازه ها همگی طوری طراحی شده اند که فضای داخلی آنها خنک است. این طراحی به قدری خوب عمل می کند که ما اینجا نیازی به کولر نداریم. و همانطور که می بینید اینجا حتی اسباب و اثاثیه و نیز رنگ ها با فکر انتخاب شده اند.»

البته مغز متفکر این طرح ها و ملاحظات کسی نیست جز ابولیش.

دیوارها به رنگ سبز و بنفش روشن رنگ آمیزی شده اند. مبلمان اندک، ساده و چوبی است و پرده ها رنگ هایی روشن و با نشاط دارند. جنس پرده ها پنبه ای است. پرده ها از نخ تهیه شده که در همین مکان با استفاده از پنبه ارگانیک رشته شده است. در سیکم، همه لوازم از مواد

¹⁰ Biodynamic agriculture این روش کشاورزی که بی نیاز از نهاده های شیمیایی است نخستین بار توسط اندیشمند اتریشی «رودالف استاینر» ابداع شد. این روش که برگرفته از روش های بومی کشاورزی در اروپاست از اواسط قرن ۲۰ به این سو در کشور اتریش و دیگر کشورهای اروپایی اشاعه یافته و از روش های عمده برای تولید محصولات طبیعی کشاورزی در اروپاست. برای اطلاع بیشتر در مورد این روش کشاورزی غیر شیمیایی به آدرس اینترنتی زیر نگاه کنید.

طبیعی ساخته شده است. حتی تمامی اسباب بازی های کودکان نیز از مواد طبیعی است، ماشین های اسباب بازی، اسب ها و دیگر حیواناتی که برای بازی بچه ها مهیاست از چوب ساخته شده است. حتی عروسک ها هم از مواد ارگانیک اند. در اینجا چیزی که از پلاستیک، لاستیک یا مواد اولیه مصنوعی ساخته شده باشد دیده نمی شود.

در بالای پله ها به فضایی روشن که دور تا دور با شیشه محاط شده وارد می شویم. در این فضا نزدیک به پنجاه نفر مشغول به کارند. گروهی پشت ماشین های پارچه بافی مشغول پارچه بافی اند. گروهی دیگر همین منسوجات را می برند، می دوزند و گلدوزی می کنند و سپس با دوخت برچسب های آشنایی چون کانی تکس^{۱۱}، کاتن پیپل^{۱۲}، نیچر تکس^{۱۳}، زیر رود نیل^{۱۴} و آلانا^{۱۵}، کالاهای متنوعی چون لباس های ارگانیک، انواع زیرانداز، پرده و عروسک را روانه بازار می کنند.

دست آخر، ما این ساختمان را نیز ترک می کنیم و از راه پله دیگری راهی مسیری می شویم که به خانه شخصی ابولیش منتهی می شود.

www.eabbassi.ir

پانزده دقیقه بعد به اطاق مطالعه ابولیش می رسیم جایی که خود او منتظر ماست. در این مکان که توسط او طراحی شده مبلمان بسیار کمی دیده می شود، و کیفیت رنگ ها و نور به نحوی است که انسان را به آرامش دعوت می کند.

«شما می خواهید دقیقا در مورد من چه بدانید؟» ابولیش می خندد و می پرسد «که این ایده ای که خیلی از مردم درست از آن سر در نمی آورند چطور و از کجا به ذهنم خطور کرده؟»

ظاهرا ابولیش از حرف و حدیث هایی که زمانی در قاهره در مورد او دهان به دهان می چرخید باخبر است. زمانی در قاهره شایع شده بود که یک جامعه از هیپی ها در چند کیلومتری شهر به وجود آمده که کار دیگری غیر از آوازخوانی و دم از عشق و صلح زدن ندارند.

¹¹ Conytex

¹² Cotton People

¹³ Nature Tex

¹⁴ Under the Nile

¹⁵ Alana

ابولیش مردی لاغر اندام با پوستی آفتابسوخته است. من انتظار داشتم که او چهره ای سالمند داشته باشد ولی برخلاف تصورم، چهره ای شاداب و بشاش می بینم که با تبسم و خنده سن واقعی او را لو نمی دهد.

و او با خوشرویی و طنز می گوید: «نه، من اهل یوگا هم نیستم. این تصور تاسف آوری است که در مورد من به وجود آمده است.»

واژه «ارگانیک» از واژه های خارجی است که در ذهن شنونده، ستاره های سینما (به ویژه ستاره های سینما از هالیوود در کالیفرنیا) را تداعی می کند که اخیرا ارگانیک می خورند و ارگانیک می پوشند و ارگانیک می اندیشند. و با انجام یوگا و مراقبت از نوع هندی آن تلاش می کنند که به آرامش درونی، معنویت و رهایی از زندگی ماده گرا و مصرفی امروز دست پیدا کنند.

«خیلی بامزه است که چنین چیزهایی را به من نسبت می دهند. آنچه شما امروز به نام سیکم می بینید ریشه در خیلی سال پیش دارد، وقتی که من به اروپا، به اتریش، سفر کردم، در سال ۱۹۵۵. در ابتدا به قصد تحصیل رفتم. رفتم که در رشته شیمی و سپس طب تحصیل کنم. چندی هم در تحقیقات فعالیت کردم. همسر اختیار کردم و بچه دار شدیم. همچنین باید بگویم که علاقه زیادی به موسیقی، فلسفه و فرهنگ داشتم و از زندگی در آن دیار بسیار لذت می بردم. اما در عین حال ریشه های بومی ام را از دست ندادم. من هرگز فراموش نکردم که مسلمان و مصری ام.»

پس آیا این جدایی و فراق از وطن بود که بستر مناسب برای ایده سیکم را فراهم کرد؟

«به نظرم زندگی در محیطی متفاوت بود که مرا متوجه تفاوت های فرهنگی، ایمانی و دینی ما با اروپا کرد. غالبا شما این رخداد را در بسیاری از خارج رفته ها می توانید مشاهده کنید. در مورد شخص خودم می توانم به یقین بگویم که زندگی در خارج از وطن به من اجازه داد که به ریشه های تاریخی و دینی خودم از دیدگاهی متفاوت نگاه کنم.»

اما تفاوتی بزرگ بین ابولیش و سایر خارج رفته ها بود و آن هم چشم اندازی است که به پایه ریزی سیکم انجامید.

«در طی ۲۱ سالی که در خارج اقامت داشتم همه چیز آن دیار را جذب کردم. از فرهنگ گرفته تا اسلوب زندگی، و فضاهایی که مردم در اروپا پیرامون خود به وجود می آورند. در اوایل دهه ۱۹۷۰ که دولت مصر از تحصیلکردگان خارج از کشور دعوت کرد که به وطن برگردند، من به خودم گفتم، چرا که نه؟»

گام اول با سفری خانوادگی به مصر در سال ۱۹۷۵ برداشته شد.

«من می خواستم که خانواده ام مزه ای از مصر را بچشند. می خواستم که زیبایی مصر را ببینند و در ضمن امکانات شروع زندگی جدیدی را، به صورتی که در نظر داشتیم، با هم بسنجیم. در بازگشت به اروپا، مشاهداتم را باخود بردم تا با تحلیل وضعیت موجود به این درک برسم که چرا مصر به این حال و روز وابسته و درمانده رسیده است.»

اگر چه در آن زمان باور غالب این بود که جنگ مسبب اصلی شرایط نامطلوب اقتصادی و اجتماعی است، ابولیش ریشه وابستگی موجود را در عمق بیشتری کاوید.

www.eabbassi.ir

«شاید این عجیب به نظر برسد، اما بر فراز بلندی های آلپ، ذهن آدمی، در محیطی پاکیزه و متفاوت و بدون تزاخم انواع حواس پرتی ها، می تواند خیلی بهتر از درون یک شهر پرازدحام و آلوده فکر کند. حتی اگر از موضوعی که به آن می اندیشد بسیار دور باشد.»

تحلیل محدودیت هایی که کشور، خود بر خود تحمیل کرده بود، همراه با چشم اندازی روشن و برتر از آینده نتیجه تفکرات ابولیش بود.

«سه سال طول کشید تا من اطلاعاتی که می خواستم را گردآوری کردم. با این اطلاعات چیزی مثل یک کتاب نوشتم. این مجموعه از اطلاعات تصویری از چگونگی توسعه مصر به صورتی که می توان گفت رنسانسی برای مصری جدید در عرصه توسعه باشد را به دست می داد. از یک سو باید تلاش می شد که سرزمین مصر التیام یابد و از سوی دیگر راهکارهایی باید اندیشیده می شد تا مصر در مسیر توسعه انسانی قرار گیرد.»

ابولیش طرح‌ها و اندیشه‌های خود را با تمامی سرمایه‌داران، اطبا و اندیشمندی که با او در آن زمان در تماس بودند در میان گذاشت. «آنها با علاقه زیادی به حرف‌هایم گوش می‌دادند ولی هیچیک حاضر به برداشتن گامی عملی نبودند.»

ابولیش در لابلای تعریفِ خاطراتش مکث می‌کند و می‌خندد.

«یک روز خوش که درهای آسمان باز بود، من از خانواده خودم پرسیدم که نظرشان در مورد این طرح توسعه اجتماعی چیست؟ آیا آنها حاضرند برای اجرای آن با من همراه شوند؟»

اعضای خانواده مشتاق بودند و لذا آنها با هم به مصر بازگشتند تا به توسعه مصر کمک کنند، توسعه مصر نه فقط از جنبه اقتصادی، بلکه همچنین از نظر انسانی و محیطی به طوری که شهروندان ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسانی خود را دریابند و به کار بندند.

«برای انجام چنین کار بزرگی، تلاش فردی کافی نیست. باید یک جامعه همت‌کند و چنین الگویی را بسازد. این آرزویی بود که من داشتم. جامعه‌ای که تنوع بالایی از آدم‌ها، از جاهای مختلف، با تخصص‌های گوناگون از گروه‌های سنی مختلف می‌توانستند در یک جا گرد هم جمع بشوند، با هم کار کنند، زندگی کنند و از هم چیز یاد بگیرند و به برکت همکاری، مشارکت و آرامش، اعضای جامعه، آینده و موفقیتِ فردی خود را در آینده و موفقیتِ گروهی خود بیابند.»

با توجه به شرایط موجود، از لحاظ ساختارهای اجتماعی و سنت‌های موجود، نه یک روستا می‌توانست مکانی مناسب برای پایه‌گذاری سیکم باشد و نه یک محله شهری. «این جامعه باید بیرون ولی نزدیک به جامعه‌ای مدنی که وجود داشت ساخته می‌شد.» در سال ۱۹۷۷، ابولیش کار خود را در حومه بلیس با تیمی دو نفره آغاز کرد.

«کار با من و محمد شروع شد. محمد یکی از روستاییان اطراف اینجا بود که وقتی در همان ابتدا در اینجا پرسه می‌زدم به سوی من آمد و دست روی شانه من گذاشت و گفت: «من با تو ام.»

«در آن زمان هیچ چیز اینجا نبود؛ نه برق نه جاده، هیچی! ما با آباد کردن زمین کارمان را آغاز کردیم و مردم شروع کردند به پیوستن به ما. و چون این تلاش دارای هدف خاصی بود، افرادی که به ما پیوستند چاره ای جز قبول کردن ماهیت اجتماعی آن نداشتند. اینجا همه باید به یکدیگر احترام می گذاشتند و باید محیط را پاکیزه نگه می داشتند. همه باید با هم کار می کردند و از تجربه خود یاد می گرفتند. خیلی زود برای همه شرکت کنندگان در این جمع مشخص شد که این کار، کار یک روز و دو روز نیست، بلکه پروژه ای برای تمام عمر است. برای شخص من کاملا روشن بود که انجام چنین کاری مستلزم حوصله بسیار است و تلاش مستمر چندین نسل را می طلبد.»

«در آغاز نیاز به سرمایه داشتیم. برای دستیابی به این سرمایه و آماده سازی زمین برای کشت ارگانیک ما شروع به تولید و فروش گیاهان دارویی کردیم. ما نمی توانستیم تنوع زراعی و اقتصادی ای که شما هم اکنون می بینید را از روز اول به وجود آوریم. کشت ارگانیک در آغاز میسر نبود. برای آماده سازی محیط ما مجموعا نزدیک به ۱۲۰ هزار درخت کاشتیم تا شرایط اقلیمی مناسبی که شما امروز تجربه می کنید را به وجود آوریم.»

www.eabbassi.ir

از آغاز کار، چشم انداز ابولیش، از چندین جهت و سطح و به طور همزمان بسط یافت.

«به مرور و برخاسته از درون جامعه کوچکی که به تدریج شکل گرفت، «شورای آینده» به دنیا آمد. هدف این شورای محلی تقویت مسیرمان و در ضمن تجدید نظر در آن مطابق با نیازهای زمان بود. برای این مهم ما از اعتقادات مذهبی بهره می گیریم، و همچنین از آنچه علوم طبیعی به ما می آموزد و از هنر. ما هنرمندان و دانشمندان را از سراسر دنیا به همکاری دعوت می کنیم. سیکم در ۲۶ سال اخیر، همزمان، در سه راستا، حرکت کرده است: اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. و این تلاش چند جانبه جملگی به سوی تقویت منابع طبیعی و انسانی جامعه جهت دهی شده اند. هر یک از این تلاش ها اهداف خاص خود را دنبال می کند، اما در عین حال، به دو جنبه دیگر بی تفاوت نیست و با آنها تعامل دارد.»

زندگی اقتصادی سیکم در سطحی بسیار کاربردی آغاز شد: احیای زمین با استفاده از روش کشاورزی بیودینامیک، که به تدریج قادر شد که مواد اولیه با بالاترین استانداردها بین المللی را در دسترس صنایع غذایی سیکم قرار دهد.

«با مشارکت دوستان و همکاران نزدیک در اروپا و شرکای محلی، ما سعی می کنیم برای محصولاتمان بازاریابی کنیم. به جای اقتصادی که فقط برای «کسب سود حداکثری» کار می کند ما توجهمان را معطوف به اقتصادی کرده ایم که با «محبت» کار می کند. فرهنگی که ما از آن در سیکم حمایت می کنیم و آن را اشاعه می دهیم نیز هم بر همین پایه است. از این رو ما کارِ تعلیم و تربیت کودکان را وظیفه ای دائمی و بدون وقفه می دانیم. این آموزش ها نه تنها باید پرورش قوای ادراکی آنها، بلکه تقویت توانایی های مهارتی و نیز آگاهی ایشان از نعمت اراده و اختیار و نیروی خلاقه بشر را در برگیرد. برای انجام این امر مهم، انجمنی به نام «انجمن توسعه فرهنگی مصر»^{۱۶} تشکیل شده است.»

«سیکم برای سلامتی جامعه خود و برای بهبود بهداشت در روستاهای اطراف هم می کوشد. ارائه خدمات درمانی بر اساس طب کل نگر^{۱۷}، طبی که قبل از تجویز دارو به کلیه جوانب زندگی بیمار توجه می کند و سپس نسخه می نویسد، بخشی از وظایف جامعه ما قرار گرفته است. در سازمانی به نام «آکادمی سیکم»^{۱۸} ما روی تمامی جوانب زندگی که می تواند بر سلامت جامعه و محیط او اثرگذار باشد تحقیق می کنیم. ما در این موسسه تحقیقاتی و آموزشی به دنبال چاره های موثر برای مسائل مهم عصر حاضر هستیم. از سوی دیگر برای اینکه حقوق و ارزش های دموکراتیک همه همکاران رعایت شده و محترم شمرده شود ما «تعاونی کارکنان سیکم»^{۱۹} را بنیانگذاری کرده ایم تا ناظر بر رعایت حقوق مدنی افراد در محیط کار باشد.»

«یکی از اهداف اصلی ما در سیکم این است که تمامی اعضا خود را نسبت به جامعه مسئول بدانند.»

¹⁶ Egyptian Society for Cultural Development

¹⁷ holistic medicine

¹⁸ SEKEM Academy

¹⁹ Cooperative of SEKEM Employees

بخشی از کار این تعاونی گردهم آوردن بیش از ۲۰۰۰ کارمند و کارگر شاغل در سیکم در جلسات کوچک، چند بار در روز است. در جلسات صبح، شرکت کنندگان با هم در مورد دستاوردهای روز پیش و اهداف روز جاری صحبت می کنند. در دیگر گردهمایی های روز، ذکر نور حق، محبت به دیگران و داشتن قلبی عاری از بد اندیشی به صورت گروهی خوانده می شود. شاید برگزاری این جلسات و شعرخوانی دسته جمعی اعضای سیکم ریشه شایعه پراکنی در مورد این جامعه مبنی بر هیپی گری آن باشد. اما آنچه افراد کمتر به آن توجه می کنند این است که در همین گردهمایی هاست که مردم می آموزند که چگونه نظر خود را بیان کنند، با یکدیگر هدف گذاری کنند و در رسیدن به این اهداف مسئولیت بپذیرند.

«در این گردهمایی ها کلیه کارکنان، صرفنظر از سمت و مقام، چه مدیر و چه کسی که زمین را می روید، همگی در کنار هم می ایستند، به عنوان انسان های برابر، با اکرام و سربلندی. همه می فهمند که سربلندی بستگی به شغل و مقام ندارد بلکه انجام شرافتمندانه مسئولیت های هر شغل برای موفقیت یک جامعه به یک میزان اهمیت دارد و این ریشه سربلندی یک فرد است.»

این بخش از توسعه اجتماعی و فرهنگی سیکم در ابتدا توسط برخی از اعضا با دشواری پذیرفته شد.

«افرادی که در طی سال ها به جامعه سیکم پیوسته اند در نظر اول عاشق همه جوانب آن نشده اند. مدتی طول می کشد تا اعضای جدید با روش و فرهنگ سیکم خو بگیرند و ارزش آن را درک کنند. اما پس از چندی حس تعلق به این محل و اینکه همه، از جمله ایشان، مهم اند، احساس خوبی به آنها می دهد. آنها در می یابند که اینجا قدرشان را می دانند، و اینکه همه سر یک سفره می نشینند و فرصت یادگیری و رشد دارند. آنها با هم ناظر رشد و یادگیری فرزندان شان اند. این الگوی جامعه ای است که از فرهنگ خود تغذیه می کند و رشد می یابد. البته هنوز خیلی کار باقی است. هر وقت ما به جلو می نگریم، افق جدیدی می بینیم و فرصتی جدید. به قول گوته، نه زمان و نه هیچ قدرت دیگری نمی تواند فرم هایی که حیات به آنها شکل داده را از میان ببرد. ما به راحتی می توانیم مسایل توسعه در وطنمان را از میان برداریم اگر درست عمل کنیم. این که می بینید سهم کوچک من در این تلاش بزرگ است.»

و نه، زندگی در وسط کویر، به دور از هر آنچه که در شهرها از منظر توده ها «سرگرمی و تنوع» خوانده می شود، برای ابولیش به هیچوجه کسالت آور نیست.

«نگاهی به اطرافتان بیندازید. به آرامش و صداهای طبیعت توجه کنید. ما در شهرها چنان درگیر ضرباهنگ سریع زندگی شهری می شویم که فراموش می کنیم که صداها، بوها و رنگ های طبیعی اطرافمان را جذب کنیم. اینجا اینقدر کار برای انجام دادن هست، برای دیدن، شنیدن، خواندن و نوشتن، فرصت های عظیم برای یادگیری، که مجالی برای کسالت باقی نمی ماند.

«و اگر هم زمانی به دلیلی احساس کسالت کنم، او را دارم که به سویش، به سوی صفاتش، با فروتنی، گام بردارم.»

پشت سر ابولیش، روی دیوار، در جایی که او با دست به آن اشاره می کند، پرده ای مزین به اسماء خداوند دیده می شود.

www.eabbassi.ir